

متن سخنرانی در نشر فرزانه روز - چهارشنبه سی‌ام بهمن‌ماه ۱۳۸۷

با نام دادار بزرگ

با شرحی که در آغاز جلسه آقای تورج اتحادیه عرضه کردند و آنچه استاد ارجمند جناب آقای ایرج افشار در مورد تاریخچه مطالعات ایران‌شناسی بیان کردند دیگر مطلب زیادی نمی‌ماند که در راستای تلاش‌هایی که در پیش‌برد پژوهش‌های ایران‌شناسی در نشر فرزانه نو انجام می‌گیرد، بر این گفته‌ها افزوده شود، اما بنا به وظیفه‌ای که بر عهده من گذاشته شده است که مدت کوتاهی مصدع اوقاتتان باشم صحبت را به ترجمه‌های منتشر شده در بخش مجموعه ایران باستان می‌کشانم که پرونده درخشانی دارد و می‌توان گفت که هر کدام از این آثار جزء کتاب‌های مرجع و درسی قرار گرفته‌اند مانند امپراطوری هخامنشی، مبانی تاریخ پارتیان، مبانی تاریخ ساسانیان، روم و ایران و غیره. و از میان آنها اشاره مفصل‌تری به کتاب پیر لوکوک تحت عنوان کتیبه‌های هخامنشی می‌کنم که زیر نظر اینجانب و با ترجمه خانم نازیلا خلخالی منتشر شد و در چاپ دوم با همکاری دکتر احمدرضا قائم‌مقامی بازبینی مجددی بر روی آن انجام دادیم و با رفع نواقص با وضع مطلوب‌تری در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت. قلم‌گیرا و شاعرانه و روانی کلام لوکوک این کتاب تخصصی و درسی را به صورت اثری خواندنی درآورده است.

خبر جدیدی که آقای دکتر شایگان از فعالیت‌های اخیر پیر لوکوک داده‌اند اینست که



● دکتر زاله آموزگار از کتیبه‌های هخامنشی و لوکوک گفت (عکس از ستاره سلیمانی)

ایشان مشغول برگردان شاهنامه به شعر فرانسه هستند و بخشی را که ایشان ملاحظه کرده بودند ترجمه‌ای روان و نغز بوده است.

کتاب کتیبه‌های هخامنشی لوکوک نیز ویژگی‌های خاص خود را دارد. مطالب در دو بخش مجزا ولی مربوط به هم عرضه می‌شود.

در بخش اول کتاب نخست تاریخچه‌ای از رمزگشایی و پژوهش‌هایی که درباره زبان فارسی باستان و کتیبه‌ها انجام شده است، عرضه می‌شود و سپس با تکیه بر مطالب کتیبه‌ها، مسائل سیاسی و اجتماعی و دینی دوره هخامنشی به بحث کشیده می‌شود. در بخش دوم که به متن کتیبه‌ها اختصاص دارد از این برتری برخوردار است که ترجمه دقیق هر سه روایت یعنی فارسی باستان و بابلی و ایلامی / عیلامی در کنار هم می‌آیند و به تفاوت‌ها اشاره می‌گردد و خواننده به راحتی می‌تواند به مقایسه آنها بپردازد. چنین امکانی در ترجمه‌های دیگر کتیبه‌های هخامنشی دیده نمی‌شود.

در عرصه تاریخ رمزگشایی خط و زبان این کتیبه‌ها، خوانندگان گام به گام پیش می‌روند. ما می‌بینیم که این نوشته‌ها که از قدیمی‌ترین آثار تاریخی مکتوب ما به شمار می‌آیند و به اسناد هویت ما تبدیل شده‌اند و اگر اغراق نکنم هر ایرانی حتی اگر به طور دقیق هم مفهوم آنها را نداند باز به گونه‌ای افتخارآمیز از آنها نام می‌برد و بدانها می‌بالد،

مدت‌های دراز فراموش شده مانده بودند و غریبانه چشم به راه توجهی از سوی ما که بی‌خیال از کنارشان می‌گذشتیم. لاقلاً اجداد ما خوش ذوق‌تر بودند. بنای پرس‌پولیس را با روایات جمشید شاه اساطیری آمیختند و نام تخت جمشید بدان دادند و گاهی نیز ستون‌ها را منار فرض کردند و چهل منارش نامیدند. در بیستون هم کنده‌کاری‌ها را اثرات تیشه فرهاد در راه عشق شیرین بر دل کوه فرض کردند و به آن بنای با عظمت لطافتی عاشقانه بخشیدند.

اما از نظر تاریخی به عنوان قدیمی‌ترین اطلاع از این سنگ‌نوشته‌ها باید نوشته هرودوت را برشمرد که اشاره‌ای دارد به استوانه‌ای از سنگ سفید در کنار بسفر متعلق به داریوش و مطالبی نه چندان مستند نقل می‌کند، که مورخان بعدی توجهی جدی به این نقل قول نکرده‌اند. نخستین گام‌ها در راه رمز‌گشایی این خطوط به قرن هفدهم میلادی برمی‌گردد که سفرای علاقه‌مندی بازدیدهایی از تخت جمشید یا چهل منار آن روز به عمل آوردند. گارسیا دوسیلوا^۱ و پیترو دل‌واله^۲ از زمره آنان بودند که نتیجه سفرشان در سال‌های ۱۶۶۷ و ۱۶۷۴ م منتشر شد.

آنها از کتیبه‌های اسرارآمیزی که دیواره‌های کاخ باشکوه هخامنشی را زینت بخشیده‌اند با شگفتی یاد کردند. پیترو دل‌واله که توجه بیشتری نشان داده بود، پنج نشانه اصلی را رمز‌گشایی کرد و از آنها نسخه‌برداری به عمل آورد و با دقت قابل توجهی پی برده که خطوط از چپ به راست نوشته می‌شوند.

این نخستین گامها، پیروان بیشتری را به دنبال کشید. ایران‌شناسان علاقه‌مند دیگری راهی این عرصه شدند و ثمره سالیان دراز تلاش‌های خود را در اثرهایی به جای ماندنی بر جای گذاشتند و بدین ترتیب تخت جمشید مسافران علاقه‌مند دیگری را می‌یافت که می‌آمدند و نسخه‌برداری‌های بیشتری انجام می‌دادند. این نسخه‌برداری‌ها گاهی با دقت و سواس‌گونه و گاهی با خام‌دستی توأم بود.

نخستین رونویسی دقیق از چند کتیبه داریوش و خشایارشا در تخت جمشید به قرن هیجدهم و به دانشمندی دانمارکی به نام نیبور / Neibuhr تعلق دارد که در طی سفرش به شرق چند روزی در تخت جمشید اقامت کرده بود. او بود که نخستین بار پی برد که این سنگ‌نوشته‌ها با سه الفبای متفاوت نوشته شده‌اند و او بود که تشخیص داد که از میان این سه قلم یکی از آنها ساده‌تر است، چون علامت‌های کمتری دارد که منظورش خط فارسی باستان بود.

از این پس تلاش دانشمندان غرب معطوف به تشخیص زبان این کتیبه‌ها نیز شد. در آن میان نظریه‌های بی‌ربطی نیز مطرح گردید، مثلاً گروهی این خطوط را ناشی از صدمات حیوانات موذی خزنده‌ای که در داخل سنگها بوده‌اند دانستند و برخی آنها را ارقامی ساده که ارزش رمزگشایی ندارد فرض کردند تا سرانجام گروتفند / Grodefend وارد عرصه شد.

در این سال‌های سده هجدهم مطالعه زبان فارسی در اروپا رواج بیشتری پیدا کرده بود و شناخت عمیق‌تر تاریخ زبان‌های ایرانی نیز در سرلوحه کارهای دانشمندان قرار داشت و ضمناً اوستایی که رهاورد آنکتیل دوپرون از سورات هند بود، مقدمات بهتری برای شناخت مطالب کتیبه‌ای نیز فراهم کرد.

خویشاوندی زینها در غرب مطرح شد و صحبت از دستور تطبیقی زبان‌های هند و اروپایی به میان آمد، خواهرخواندگی زبان سنسکریت و زبان اوستا توجه بیشتر غربیان را که قبلاً با سنسکریت آشنا بودند به این موضوع معطوف کرد که زبان این سنگنوشته‌ها باید با آن زبان‌ها خویشاوندی داشته باشد.

گروتفند با حوصله و سواس گونه‌ای دو نسخه‌ای را که نیپور نسخه‌برداری کرده بود مورد توجه قرار داد و از تاریخ نیز برای تشخیص نام‌های شاهان کمک گرفت. و تعداد حروف نام آنها را با حروف کتیبه‌ها مقایسه کرد و سرانجام موفق شد حروف نام‌های داریوش و خشایارشا را تشخیص دهد.

سن مارتین نام ویشناسب را که گروتفند به اشتباه به صورت فارسی نقل کرده بود درست خواند و بورنوف واژه اهورامزدا را کشف کرد.

موفقیت‌ها گام به گام بیشتر شدند تا در سده نوزدهم میلادی هنری راولینسون قدم به میدان گذاشت. این سیاستمدار و افسر عالی‌رتبه انگلیسی که در کرمانشاه مأموریت داشت، در همسایگی سنگنوشته با عظمت بیستون قرار گرفت. هوای آن کوهها که دم فرهاد را در خود داشت او را جادو کرد، راولینسون شیفته خط میخی کتیبه‌ها شد و با تلاش خستگی‌ناپذیر و با یاری تاریخ و اطلاعات جنبی و قبلی به قرائت دو بند نخست کتیبه بیستون دست یافت. طناب برگردن از صخره‌ها بالا رفت و کار نسخه‌برداری را واژه به واژه ادامه داد و سرانجام در ۱۸۴۶ م نخستین تألیف بزرگ خود را درباره فارسی باستان در دسترس دانشمندان قرار داد.

تلاش راولینسون، کارهای ارزنده دانشمندان قرن بیستم را به دنبال داشت. راه همواره شده بود و دستور زبان فارسی باستان با ریزه‌کاری‌های بیشتر مورد بررسی قرار

گرفت و ما شاهد کارهای بار توله، آنتوان میه، امیل بنونیست و دیگر بزرگان در این سده هستیم. کاوش‌ها در شوش منابع جدیدتری را در اختیار پژوهشگران قرار داد و مجسمه عظیم ولی بی‌سر داریوش با نوشته‌های چهارزبانه فارسی باستان، ایلامی / عیلامی، بابلی و هیروگلیف مصری، دلخوشی دانشمندان را کامل کرد. سپس نوبت به حفاری‌های روش‌مند دانشمندان دانشگاه شیکاگو رسید که کتیبه‌های جدیدی از داریوش و خشایارشا را در اختیار پژوهشگران قرار دادند و گنجینه‌های تخت جمشید بر ثروت ملی ما افزوده شد و کارهای مایروفو و دیگران این راه را روشن‌تر کرد. و کتاب ارزنده کنت در اختیار ما قرار گرفت.

در همین مسیر هست که اکنون دو کتاب رو دیگر اشمیت با عنوان‌های کتیبه بیستون داریوش بزرگ و کتیبه‌های فارسی باستان نقش رستم و تخت جمشید که در مجموعه Corpus منتشر شده است، با پایمردی نشر فرزانه روز، با ترجمه علی شهیدی دانشجوی دوره دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه تهران در دست انتشار است.

از کتاب لوکوک سخن گفتیم که پاسخ‌گوی بسیاری از پرسش‌های پژوهشگران است. ولی در این مجموعه ایران باستان کتاب‌هایی هم منتشر می‌شود که بر پرسش‌های ذهنی ما می‌افزاید. یکی از آنها مجموعه مقالات ژان کلنز است با عنوان مقالاتی درباره زردشت و دین زردشتی، با ترجمه دکتر احمد رضا قائم مقامی، که باید آن را خواند.

این کتاب که به معنی واقعی دشوار نوشته شده است با آگاهی‌های مترجم آن از اوستا بخصوص بخش کهن آن یعنی گاهان و هفت فصل برای خوانندگان فارسی زبان به صورت قابل استفاده درآمده است. در آن آراء جدیدی مطرح می‌شود که گاهی در تعارض با دانسته‌های قبلی ما قرار می‌گیرد و نیاز به مطالعات بیشتر در ادیان هند و ایرانی را القا می‌کند. ترجمه این اثر خود یکی از کارهای مثبت نشر فرزانه بود. زیرا تنها آثاری نباید چاپ بشود که مطابق میل ماست. بلکه باید به شکار افکار جدید هم رفت.

در این کتاب کلنز مسئله وحدانیت و ثنویت را در اندیشه‌های ایران باستان به نقد می‌کشد و آیین‌هایی که در گاهان و یسن‌ها مطرح شده‌اند با تأویلی خاص شرح می‌دهد، از قربانی‌های انجام شده با دیدی نو سخن می‌گوید، مسئله زندگی زردشت را به نوعی دیگر مطرح می‌کند و گاه بر افکار خود نیز پافشاری دارد. ما باید از این نظرات مطلع باشیم و بدانیم که دیگران چه می‌گویند حتی اگر خلاف نظر ما باشد.

من انتشار این کتاب را نیز جزو کارهای مفید نشر فرزانه می‌دانم و امیدوارم این خدمات فرهنگی همچنان ادامه داشته باشد.